دانش
سوخت قرن بیست و یکم ۲۸

پزشکی
طول و عرض و عمق در آموزش پزشکی ۲۹

پزشکی
گفت و گو با دکتر مهدیه معین ... ۲۹

جامعه
۷ هزار تخلف پزشکی در سال ۸۴ . ۳۰

گفت وگو
با رئیس سازمان زندان‌ها

میله های زندان را برداشتیم

عاطفه آزاد

عکس: میلاد پیامی، شرق

بخش اول

علی‌اکبر یساقی با گذشت بیش از دو سال از ریاستش بر سازمان زندان‌های کشور زمانی که نظرش را درباره مجازات حبس می‌پرسم، آه از نهادش بلند می شود که چرا اساسی‌ترین سئوال را آخر از همه پرسیدم. آسانسور شیشه‌ای مجتمع اداری قلهک که در طبقه ششم ایستاد با گذر از راهرویی نه چندان بلند و دری شیشه‌ای، دفتر رئیس مقابل چشم ظاهر می‌شود. یساقی با وجود دقایقی تاخیر بی‌هیچ شکوه‌ای گفت‌وگو را آغاز کرد، گفت گویی که حدود ۲ ساعتی به طول انجامید و او سعی زیاد می کرد تا در پاسخ‌ها حوصله به خرج دهد. او با وجودی که تجربه حبس نداشته از قضاتی انتقاد کرد که بدون آنکه ۲۴ ساعت هم در زندان باشند، به وفور حکم حبس می‌دهند. یساقی از همان ابتدا موضعش را مشخص کرده بود و زندان را آخرین راه‌حل می‌دانست. یساقی با تحصیلات حوزوی و مدرک کارشناسی ارشد مدیریت البته بدون آنکه لباس روحانیت به تن کند، یک روحانی است که فعالیتش را از مناصب قضایی شروع کرده بود. او پیش از ریاست سازمان زندان‌ها، رئیس کل دادگستری استان خراسان، استان زادگاهش بود. اما خردادماه سال ۸۳ به تهران آمد و با سمت قضایی عضو معاون دیوان عالی کشور، به عنوان رئیس سازمان زندان‌ها در این سازمان مامور به خدمت شد. همان زمان بود که سیدمرتضی بختیاری از ریاست سازمان به عنوان رئیس دادگستری استان خراسان برگزیده شد. چندی پیش هم رئیس قوه قضائیه بعد از اتمام دوره ریاست سازمان، ریاست یساقی را برای یک دوره دوساله دیگر تمدید کرد. یساقی در پایان گفت‌وگوی دوساعته خود با شرق در مجتمع اداری قلهک متعلق به بنگاه تعاون حرفه‌آموزی سازمان بر این موضوع تاکید کرد که کاهش استفاده از مجازات حبس هنوز در نظام اجتماعی ما جا نیفتاده و ورود سالانه ۶۰۰ هزار نفر به زندان‌ها یعنی فروپاشی نظامات اجتماعی در ایران و در نهایت آن را مقدمه‌ای قرار داد برای اینکه از مطبوعات بخواهد روی مسئله کاهش مجازات حبس تبلیغ کنند.

■■■

■نوسازی و بازسازی زندان‌ها در چه مرحله‌ای است و آیا زندان در حال احداث هم دارید؟

در ارتباط با بازسازی زندان‌ها نکات مختلفی قابل ذکر است. اولاً بخش قابل ملاحظه‌ای از زندان‌های ما قدیمی است و ساختمان‌های فرسوده‌ای دارد. از حدود ۱۰ سال قبل برای بازسازی و نوسازی زندان‌ها اقدام کرده‌ایم. این عملیات هم‌اکنون در سه محور ادامه دارد. اول احداث زندان‌های جدید براساس پروژه‌های عمرانی ملی، دوم پی‌گیری طرح خروج زندان‌ها از شهرها که خود قانون مستقل مصوب مجلس شورای اسلامی را دارد. سوم مرمت، بازسازی، بهسازی و تجهیز زندان‌های دایر. اما در شرایط موجود با بودجه‌های محدودی که تخصیص شده بازسازی زندان‌های ایران با این روند کند ۵۰ سال طول خواهد کشید. این تصور در برخی از اجزای نظام و دولت وجود دارد که ساختن جاده، مسجد، کتابخانه نمای مقبول اجتماعی دارد بنابراین نسبت به ایجاد آنها اهتمام می کنند. در برخی استان‌ها با مسئولانی مواجه شدم که وقتی برای تخصیص بودجه به زندان‌ها تلاش می کنیم، می گویند زندان ساختن مقبولیتی ندارد، نمی‌شود در پایان یک دوره فعالیت دولت به مردم گفت که ما اینقدر هم زندان ساختیم در حالی که هرکسی تصدیق می کند کشور به همان اندازه که به پل، جاده و کتابخانه نیاز دارد به عنوان اضطرار به زندان هم نیاز دارد. اگر زندان‌ها ظرفیت کافی نداشته باشند و در مکانی که باید ۷۰ نفر نگهداری شود، از روی ناچاری ۵۰۰ نفر را نگهداری کنیم، دیگر مرکز اصلاح و تربیت نداریم که نتیجه بد آن هم باز نصیب جامعه می‌شود تا زمانی که در جامعه جرم، قانون، حریم و هنجارشکنی وجود دارد ساختن زندان هم یک ضرورت اجتماعی است. در حال حاضر ۳۹ پروژه در دست احداث و نیمه‌تمام داریم، مشتمل بر ۱۰ کانون اصلاح و تربیت و ۵ اردوگاه حرفه و کاردرمانی و ۲۴ ندامتگاه و ۳۴ پروژه هم در دست مطالعه است و برای تخصیص بودجه تلاش می کنیم. میزان پیشرفت فیزیکی پروژه‌های در دست احداث هم به طور میانگین ۵۵ درصد است. در سال‌های گذشته تعداد کانون‌های اصلاح و تربیت یعنی محل نگهداری زیر ۱۸ ساله‌ها، به ۲۵ واحد رسیده و ۳ کانون در شرف افتتاح و ۲ کانون پیشرفت ۲۰ درصدی داشته است.

■نوجوانان آن پنج استان کجا نگهداری می شوند؟

وقتی از کانون صحبت می کنیم استانداردهای کاملی را در نظر می گیریم و منظورمان محلی مجزا با فضای خاصی است اما وقتی نباشد در داخل زندان‌های مرکزی یک بلوک جداگانه را به کانون اختصاص می‌دهیم.

■و استانداردهای لازم را نداشته؟

نمی‌توان گفت به اندازه‌ای که در کانون‌های مستقل رعایت می‌شود، آنجا هم هست. نه، چون فضا و اتاق‌بندها برای این کار ساخته نشده، تمامی استانداردها رعایت نمی‌شود اما شرایط متفاوت از بندهای زندان است.

■به ساخت زندان‌های جدید اشاره کردید، آیا آنها هم به زندان‌های فعلی شباهت دارد یا نه، با توجه به گفته‌های رئیس قوه قضائیه استانداردهای جدیدی تعریف کردید؟

می‌توانید به فشافویه بروید و مجتمع زندان‌های تهران را که در حال ساخت است مشاهده کنید. سعی شده استانداردها به‌روز باشد این استانداردها را با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به توافق می‌رسیم. مثلاً یکی از این استانداردها میزان زیربنای اختصاصی به هر فرد است که در شرایط بد گاهی این مساحت دو متر بوده اما امروز میانگین ده متر است و فعلاً روی ۱۷/۵ متر برای هر نفر به توافق رسیدیم.

■اما ما هنوز در استان‌هایی زندان‌هایی داریم که زندانیان زیادی را در محل کوچک‌تر نگهداری می کنند.

بله، داریم. این توافق برای آن است که در پروژه‌های آینده براساس این سرانه بودجه تخصیص پیدا می کند و همه مباحث انسانی، رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی و تاکیدات ریاست محترم قوه قضائیه مثل جمع کردن میله‌ها و سایر موارد سعی شده در ساخت زندان‌های جدید رعایت شود.

■ساخت فشافویه در چه مرحله‌ای است؟

آنجا دارای بلوک‌های متفاوتی است و پروژه‌ای چندمرحله‌ای است که برای ده هزار نفر زندانی پیش‌بینی شده و یک بلوک دو هزار نفره آن در شرف افتتاح است، بلوک دیگری بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و سه بلوک دیگر آن هم بین ۳۵ تا ۵۰ درصد پیشرفت داشته.

■شما از حذف میله‌های زندان گفتید، چه تدابیری قرار است جایگزین میله‌ها شود؟

حذف میله‌ها موردی بود که ریاست قوه قضائیه تاکید داشتند و مبنای آن این است که هدف از اجرای مجازات حبس، در نظام اسلامی انتقام‌گیری نیست بلکه هدف اصلاح و تربیت است. ما به این نتیجه قطعی رسیدیم و مایه شگفتی بازدیدکنندگان خارجی هم شده. از جاهای مختلفی که می‌آمدند شگفت‌زده می‌شدند که چطور مددجویان با مددکاران ما و زندانبانان آنقدر رفیق‌اند و به راحتی به بندها تردد داریم و احساس امنیت می کنیم. در آنجا شورش وجود ندارد، از طرف زندانیان هم آسیبی به زندانبانان نمی‌رسد و برخورد ما با زندانیان برخوردی انسانی، اسلامی است. به این نتیجه رسیدیم که برای تامین امنیت زندان‌ها برخوردهای انسانی کارسازتر از میله‌ها است.

■یعنی کارهای نرم‌افزاری انجام می‌دهید؟

عرض کردم همان برخورد انسانی، حرمت‌گذاری، عدم تحقیر. چون زندانیان در بسیاری از زندان‌های جهان تحقیر می‌شوند و آنها را کتک می‌زنند و انسان‌های درجه پایین‌تری محسوب می‌کنند. یک بار وقتی زندانی سر خود را از میله‌ها بیرون آورد تا با هیات بازدیدکننده صحبت کند، مامور فندک روشنی را زیر صورتش گرفته تا او بیرون نیاید. اما در جمهوری اسلامی اصلاً این طور نیست.

■شما ارتباط مددکاران و زندانبانان با مددجویان را جایگزین میله‌ها می کنید؟

من می گویم این ارتباط انسانی به تامین امنیت زندان‌های ما فوق‌العاده کمک کرده چون انسان وقتی تحقیر شده و انسان محسوب نمی‌شود به شورش و ایجاد ناامنی برانگیخته می‌شود.

ما منطق علی(ع) را در مورد آنها به کار می‌بریم. وقتی ابن‌ملجم را گرفتند امام فرمودند از همان غذایی که به من می‌دهید به او هم بدهید. کسی نباید به او اهانت کند یا او را کتک بزند. ما این رفتار را با زندانیان داریم چون هدف بازسازی شخصیت آنها است، ما نمی‌خواهیم آنها را از جامعه حذف کنیم. معتقدم رفتار احترام‌آمیز و انسانی و حفظ کرامت مددجویان عامل مهمی در تامین امنیت زندان‌ها است که می‌تواند جایگزین آن موانع فیزیکی شود.

■شما به خارج کردن زندان‌ها از شهر اشاره کردید که ساختن مجتمع زندان‌های تهران می‌تواند آغاز این حرکت باشد، گفته شده اوین برای تغییر کاربری به شهرداری سپرده شده، صحت دارد؟

خیر، در مورد اوین هنوز اقدام خاصی صورت نگرفته اما قانونی در سال ۱۳۸۰ در مجلس شورای اسلامی درباره ضرورت انتقال زندان‌ها به خارج از شهرها به تصویب رسیده است به نحوی که وزارت مسکن و شهرسازی مکلف شده براساس استانداردهایی که سازمان زندان‌ها تعریف می کند، زندان‌هایی را در خارج از شهرها بسازد و پس از تحویل به سازمان زندان‌ها، زندان‌های موجود و فرسوده داخل شهرها به تملک سازمان مسکن و وزارت مسکن درآید. این قانون در مورد انتقال وجود دارد اما جوابگو نبوده و کارایی لازم را در طول این پنج سال نداشته. پروژه‌های در حال ساخت هم مربوط به این قانون نیست و از محل اعتبارات عمرانی در حال ساخت و ساز است.

تصور ما هم آن است که روند فعلی کند است و به اقدام موثر نیاز دارد. البته موانع قانونی هم وجود دارد. اگر به ما اجازه دهند تا بتوانیم زندان‌های فرسوده را بفروشیم و از محل فروش آن، زندان بسازیم این کار سریع‌تر انجام می‌شود اما نیاز به قانون دارد و در حال طراحی ماده واحده‌ای هستیم که چنین اجازه‌ای را از مجلس شورای اسلامی بگیریم. تصور ما این است که سرمایه و پول آن را از محل زندان‌های فرسوده داریم، مشکل قوانین دست و پاگیر است که نمی‌توان با سرعت کافی حرکت کرد.

■مشکل کجا بود؟

دچار بوروکراسی شده که کار پیش نرفته، سازمان مسکن باید از جایی بودجه هنگفتی را سرمایه‌گذاری کند و با روندی که پروژه‌ها دارند، بیش از ۱۰ ، ۱۵ سال طول می‌کشد تا آن را از محل سرمایه خود بسازد، تحویل ما که داد باید چیزی را تملک کند. این تخصیص‌های دولتی خیلی طول می‌کشد و قالب‌های دولتی جوابگوی این قضیه نیست.

■چندی پیش دیوار زندان اوین را خراب کردند و البته شورای شهر که این حرکت را به منظور تغییر کاربری می‌دانست عنوان کرد که تخریب دیوار با تاخیر دوساله انجام شده.

بخشی از زمین‌های اوین در مسیر بزرگراه یادگار امام می‌افتاد که در این مورد در طول سال‌های گذشته توافق‌هایی داشتند که در قبال این زمین‌ها ساختمان‌هایی را به قوه قضائیه بدهند و بتوانند آن قسمت را تصرف کنند. آن توافقات به انجام رسیده و نهایی شده بود و به عنوان آخرین مرحله از این توافق آن قسمت دیواری را که وسط بزرگراه قرار داشت، تخریب کردند و مسیر بزرگراه باز شد.

■موضوع ۳۵ میلیارد تومانی که شهرداری به سازمان پرداخت کرد چه؟

مربوط به همین قضیه بود. در دوره ریاست قبلی سازمان زندان‌ها توافق صورت گرفته بود، آنها هم معادل‌ها را به قوه قضائیه پرداخت کردند و مسیر را باز کردند و دیوار زندان در آن قسمت برداشته شد.

■هیچ ارتباطی با تغییر کاربری نداشت؟

نخیر.

■موضوع تغییر کاربری مطرح است؟ رئیس شورای شهر از مصوبه دو سال پیش برای تغییر کاربری اوین خبر داده بود.

هنوز مذاکرات جدی در این باب صورت نگرفته.

■چه مقدار از زمین‌های اوین واگذار شد؟

مساحت آن را دقیق به خاطر ندارم.

■موضوع خصوصی‌سازی در زندان‌ها از چند سال پیش مطرح شد که زندان عادل‌آباد بالاخره خصوصی شد. عادل‌آباد تنها زندان خصوصی شده ایران بود؟

آن هم دیگر خصوصی نیست. سال گذشته عادل‌آباد شیراز را به عنوان پایلوت خصوصی کردیم اما شرط موفقیت در خصوصی‌سازی وجود فضا و بستر لازم است که تصور می‌شود این فرهنگ و بستر وجود ندارد و به همین دلیل هم خصوصی‌سازی زندان عادل‌آباد همراه با توفیق نبود و قراردادی که تا پایان سال ۸۴ بود، به اتمام رسید و شرایط به حالت قبلی برگشت.

■کدام بخش‌ها به بخش خصوصی واگذار شده بود؟

زندان‌ها دارای دو بخش هستند؛ خدمات و حاکمیتی.

کلیه بخش‌های خدماتی براساس قیمت‌های تمام شده به بخش خصوصی واگذار شده بود. بخش‌های حاکمیتی مثل حفاظت فیزیکی، پلیس زندان، انگشت‌نگاری و پذیرش قابل واگذاری به این بخش نیست و واگذار نشده بود. اما به دلیل آنکه فضای لازم برای این امر وجود نداشت همراه با توفیق نبود و فعلاً این قضیه برچیده شده، البته در بسیاری از زندان‌های ایران بخش‌های مثل خدمات پخت غذا و خدماتی از این جنس با بخش‌هایی خصوصی قرارداد دارند اما در زندان عادل‌آباد یک کار جامع و تمام‌عیار واگذاری صورت گرفته بود.

■این بخش‌های خدماتی شامل چه قسمت‌هایی بود؟

آشپزخانه‌ها، امور بهداشتی، انبارها، نقل و انتقال زندانیان و نقلیه طی قراردادهایی براساس قیمت‌های تمام شده به بخش خصوصی واگذار شده بود.

■دلایل بازگشت این قسمت به بخش دولتی چه بود؟

در ایران یک نوع بدبینی به بخش خصوصی وجود دارد که گاهی تصور می کنند وقتی بخش خصوصی می‌آید منافع اشخاص پررنگ شده و منافع عمومی پایمال می‌شود، این یکی از عللی است که غالباً دلسوزان و رقبای طرف قرارداد به شدت کار را تحت نظر قرار می‌دهند. نکته دوم آنکه وقتی شما به عنوان یک جریان دولتی هزینه می‌کنید طبع قضیه ایجاب می کند که هزینه‌ها خیلی بالا است چون حراست و دقت و صرفه‌جویی لازم انجام نمی‌شود. اما وقتی بنا است یک بخش خصوصی مثلاً تغذیه زندان را بر عهده بگیرد سعی می کند با حداقل هزینه‌ها این کار را انجام دهد که در این میان مددجویان ضرر می کنند و واسطه‌ها هم در پروسه‌های خرید ضرر می‌کنند. بسیاری از افرادی که به طور غیرمتعارف امکاناتی به دست می‌آورند متضرر شده و به شدت به نگرانی مسئولان دامن می‌زنند که امر خصوصی‌سازی باعث افت کیفیت غذا در زندان شده یا رقبا می گویند که آقایی که با او قرارداد بستند، جزء رفقای خودشان هستند این فضا را ایجاد کردند که ما به شدت تحت فشار این فضاها بودیم. از سوی دیگر بخش خصوصی طرف قرارداد هم آنچنان که باید به تکالیف خود عمل نمی‌کند و بیشتر به فکر منافع خود است تا ارائه خدمات استاندارد. این موضوع هم زمینه را ایجاد کرد تا این جریان زیر سئوال برود. در این میان سه جریان مددجویان، بخش خصوصی و واسطه‌هایی که منافع‌شان به خطر می‌افتاد و رقبای بخش‌های خصوصی که وارد گود می‌شدند، دست به دست هم داده و فضایی ایجاد کردند که در مورد زندان ما موفق به این امر نشویم.

■جنبه حاکمیتی بر جنبه خدماتی نظارتی داشت؟

بله. رئیس زندان از سوی حاکمیت انتخاب شده. در گذشته وظیفه رئیس زندان ارائه خدمات بوده اما در این مورد او بر تطابق عملکرد بخش خصوصی با قرارداد نظارت می‌کرده است.

■با توجه به آنکه گفتید فعلاً متوقف شده، آیا این کار باز هم انجام می‌شود؟

قطعاً این طور است. تصورم آن است که سمت و سوی حرکت کشور به سمت خصوصی‌سازی است. این سیاست جمهوری اسلامی است اما باید با دقت برنامه‌ریزی و با تامل بیشتر بسترسازی کنیم و این امر در آینده باز هم اتفاق خواهد افتاد.

■بخش تفکیک زندان‌ها از مسائلی است که در مورد آن اظهارنظرهای زیادی می‌شود، تفکیک در زندان‌های ما چگونه است؟

در حال حاضر علاوه بر طبقه‌بندی جنسی و سنی، طبقه‌بندی بر مبنای نوع جرم انجام می‌شود، در شرایط فعلی نوجوانان زیر ۱۸ سال با هر نوع جرم در کانون‌های اصلاح و تربیت نگهداری می‌شوند. کلیه مجرمان مرتبط با مواد مخدر در اردوگاه‌ها و مجتمع‌های کاردرمانی و حرفه‌آموزی نگهداری می‌شوند و حتی در کوچک‌ترین زندان‌ها هم به نوعی مواد مخدری‌ها از سایرین جدا می‌شوند البته بسته به میزان امکانات. در جایی مثل تهران به دلیل ظرفیت بالا معتادان را جای جدایی می‌بریم. جرایم مواد مخدر هم جدا از معتادان در جای دیگر نگهداری می‌شوند. البته جمعیتی که مرتکب جرم می‌شوند و تحت عناوین دیگری به زندان اعزام می‌شوند غالباً آلوده به اعتیاد یا استعمال غیرمجاز مواد مخدر هم هستند. در این مواقع ما فقط کسانی را که به عنوان معتاد به ما معرفی می‌شوند به اردوگاه می‌فرستیم. عدم تفکیک‌هایی که در زمان‌هایی رخ می‌دهد، ناشی از تعدد عناوین مجرمانه بیش از ۴۰۰ عنوان جرم است، این امکان‌پذیر نیست که براساس ۴۰۰ نوع جرم طبقه‌بندی انجام دهند.

■جرایم را چطور طبقه‌بندی کردید؟

جرایم را به جرایم عمومی، دادگاه‌های انقلاب و قتل تقسیم کرده‌ایم. اما جداسازی ۴۰۰ نوع جرم امکانپذیر و منطقی نیست چون میزان وجود مددجو هم یکسان نیست. ممکن است در طبقه یک نفر باشد و در طبقه دیگر ۷۰ نفر نمی‌توانیم فضاها را این طور تقسیم‌بندی کنیم. ما طبقه‌بندی نسبی را در این مورد اعمال می‌کنیم، در موارد زیادی هم مشاهده می‌شود که مجرمان مرتکب چند عمل مجرمانه شده‌اند و دارای چند قرار متفاوت هستند، در خیلی از موارد این قرارهای متفاوت وجود دارد. زیاد اتفاق می‌افتد که اعتیاد و سرقت توام انجام شده و باید در یکی از طبقات نگهداری کنیم.

■در این موارد چه می کنید؟

در این موارد عنوان غالب را در نظر می‌گیریم و به نامه معرفی شخص به زندان استناد می‌کنیم.

■طبقه‌بندی سنی به چه صورتی است؟

زیر ۱۸ سال را به کانون می‌فرستیم. تا ۲۵ سال را یک طبقه‌بندی می‌کنیم و از ۲۵ سال به بالا دیگر طبقه‌بندی سنی وجود ندارد. البته در کانون‌های اصلاح و تربیت کودکان را جدا نگه می‌دارند، چون در بین آنها کودکان کم‌سن و سال هم وجود دارند.

■طبقه‌بندی مجرمان براساس جرایم به چه صورت است؟

مجرمان قتل را در جاهایی که دستمان باز است جدا نگهداری می‌کنیم، اما در جاهایی که آنقدر فضای کمی داریم که در فضای ۷۰نفره، ۴۰۰ نفر را نگهداری می‌کنیم این امر امکان‌پذیر نیست. اما در جاهایی که امکان دارد جرایم مالی شامل کلاهبرداری، چک و جرایم غیرعمد را که به تصادفات و دیه‌ها مربوط می‌شود جدا نگهداری می‌کنیم.

■سعی کردید بند زنان و دختران را جدا کنید تا آسیب‌های ناشی از این موضوع کم شود؟

مجموع آمار خانم‌های زندانی کمتر از شش درصد زندانیان است در جایی که ۴ یا ۱۰ هزار زندانی مرد است، رقم زندانیان زن به ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر می‌رسد که این حجم کم زندانی زن ایجاب نمی‌کند بتوانیم طبقه‌بندی دقیقی را اعمال کنیم اما در جاهایی که حجم زندانی‌ها بالا است مثل تهران، در بند نسوان هم اتاق‌های مجزا وجود دارد و متناسب با سنین و جرایم آنها. یعنی هرگز زنی که به جرم اعتیاد و قاچاق مواد مخدر آمده با زنی که به جرم فحشا آمده را کنار هم نگه نمی‌دارند مگر در زندان‌های کوچک با زندانیان زن کم. اما در جاهایی که از استانداردهای قابل قبول و جمعیت لازم برخوردار است به طور نسبی رعایت می‌شود. جرایم مربوط به قتل را هم در یک جا نگهداری می‌کنیم، جرایم مواد مخدر را در یک مجموعه و معتادان هم در اردوگاه‌ها نگهداری می‌شوند و مجرمان سرقت هم جدا نگهداری می‌شوند.

■چند درصد زندان‌های کشور این تفکیک‌بندی‌ها را دارند؟

طبقه‌بندی نسبی با درجات مختلف در بیش از ۸۰ درصد موارد وجود دارد، اما بسته به امکانات رقیق یا دقیق است. یعنی هرچه امکانات بالاتر باشد رعایت طبقه‌بندی هم دقیق‌تر است، اما هرچه امکانات کمتر باشد، طبقه‌بندی وجود دارد اما رقیق‌تر است. مثلاً در یکی از زندان‌های دورافتاده به دلیل محدودیت جا راهرو هایی با ۱۰ اتاق وجود دارد که هر اتاق به یک جرم اختصاص داده شده اما در هواخوری به دلیل محدودیت آنها از یک مکان استفاده می‌کنند. اما شاید هیچ زندانی را پیدا نکنید که هیچ نوع طبقه‌بندی در آن وجود نداشته باشد.

نگاه

وعده‌های شیرین مشاور وزیر برای معلمان

شیرزاد عبداللهی

به گزارش خبرگزاری کار ایران، هفته گذشته مشاور وزیر آموزش و پرورش در شهر اراک گفت: تا دو ماه آینده تمام مشکلات شغلی، حقوقی و معیشتی معلمان در تمام سطوح و بازنشستگان این عرصه با تصویب لایحه «خدمات کشوری آموزش و پرورش» در مجلس شورای اسلامی حل خواهد شد. علیرضا براتیان مدیرکل امور اداری آموزش و پرورش گفت: لایحه‌ای در ۱۵ فصل و ۱۱۰ ماده برای حل مشکلات معلمان تنظیم شده که تمام دستگاه‌ها و ارگان‌های مربوطه را برای همکاری مجاب کرده است که بیشترین فصل این لایحه مربوط به حقوق و مزایای معلمان و بازنشستگان است. وی افزود: درخصوص بازنشستگان آموزش و پرورش ۱۲ طرح داریم که عمده آن مربوط به ارتقای شغلی معلمان در آستانه بازنشستگی و افزایش ضریب ۱۳/۶ درصدی حقوق این افراد است. براتیان با تاکید بر اینکه در این لایحه تمام فوق‌العاده‌ها و امتیازات ویژه کنار زده می‌شود گفت: «حقوق و مزایا با شرایط جدید و متناسب با مزیت و مدرک و سابقه افراد پرداخت می‌شود.» وی خاطرنشان کرد: تغییر وضعیت معلمان حق‌التدریس، افزایش ردیف‌های آزاد برای جذب نیروی انسانی، حذف سقف ۶۵ درصدی ارتقای شغلی، استفاده توام از هم‌طرازی و ارتقای شغلی برای کارشناسان ارشد از جمله مواردی است که مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر این خبر ضمن سال تحصیلی و حضور معلمان در مدارس اعلام می‌شد، جا داشت که معلمان سردر مدارس را چراغانی و بین مردم شیرینی و گل پخش کنند. گوینده خبر یک مقام مسئول است. مدیرکل امور اداری دقیقاً همان کسی است که صلاحیت اعلام این خبر را دارد. فرهنگیان به دلایل زیادی می‌توانند اظهارات براتیان را خبر خوش بدانند: اول اینکه این وعده دارای ظرف زمانی است و قرار است تا دو ماه دیگر یعنی تا اواسط مهرماه تحقق پذیرد، دوم اینکه تمام مشکلات حقوقی، معیشتی و شغلی معلمان و بازنشستگان با این لایحه حل و فصل می‌شود و سوم اینکه تمام دستگاه‌ها و ارگان‌های ذیربط برای همکاری مجاب شده‌اند و دیگر نمی‌توان ادعا کرد که وزارتخانه تمام سعی خود را کرد اما مجلس یا ارگان دیگری همکاری نکرده‌اند. اما اظهارات مدیرکل امور اداری با وجود داشتن عناصر مثبت و امیدوارکننده دارای ابهاماتی است که جایی برای شادی و امیدواری زیاد باقی نمی‌گذارد. اول اینکه به احتمال زیاد منظور مدیرکل همان لایحه مدیریت خدمات کشوری است که در آخرین ماه‌های دولت خاتمی به مجلس تقدیم شد و چند ماه پیش کلیات آن به تصویب نمایندگان رسید.

هدف از ارائه این لایحه ایجاد تحول در کل نظام اداری و استخدامی کشور است. و با رویکرد کوچک شدن دولت، اولویت خرید خدمات دولتی، ارزیابی مستمر کار کارکنان توسط مدیران و تناسب بین میزان حقوق و کیفیت، کمیت کار و مسائلی از این دست تنظیم شده است. نکته مثبت این لایحه برای فرهنگیان این است که در آن پیش‌بینی شده که در شرایط مساوی حقوق کارکنان آموزش ۱۰ درصد بیش از سایر کارکنان دولت باشد. این لایحه هنوز در صحن علنی مطرح نشده است و قابل پیش‌بینی است که به سرنوشت قانون برنامه چهارم توسعه دچار شود. دوم اینکه ای‌کاش مدیرکل محترم به جای وعده «حل تمام مشکلات شغلی، حقوقی و معیشتی» فرهنگیان که وعده‌ای کلی و تفسیرپذیر است، دقیقاً می‌گفت که کدام مشکلات معلمان تا دو ماه دیگر حل می‌شود: حذف سقف ۶۵ درصدی ارتقای شغلی، استفاده کارشناسان ارشد از هم‌طرازی و ارتقای شغلی و محاسبه مبلغ ارتقای شغلی در حقوق بازنشستگی بخش کوچکی از مطالبات قدیمی معلمان است. اما وقتی صحبت از تمام مشکلات می‌شود، باید نیم‌نگاهی به مشکل اصلی فرهنگیان داشته باشیم. مشکل اساسی فرهنگیان تفاوت فاحش بین میزان حقوق دریافتی و هزینه‌های واقعی خانوار است. به‌عنوان مثال معلمی که در ماه ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد، ماهیانه ۵۰۰ هزار تومان هزینه‌های گریزناپذیر دارد. برای جبران این کسری معلمان معمولاً به مشاغل ناهمساز با کار آموزشی روی می‌آورند و شغل معلمی از حالت حرفه‌ای تخصصی خارج می‌شود. مشکل در قانون نظام هماهنگ پرداخت‌ها نیست. این قانون در حال حاضر هم اجرا می‌شود و معمولاً ۶-۵ ردیف احکام حقوقی همه کارکنان دولت ضابطه‌مند و یکسان است. مسئله تبعیض، فوق‌العاده‌ها، پاداش‌ها و اضافه‌کاری برای کار نکرده و سایر مزایایی است که از محل درآمدهای ویژه دستگاه یا بودجه در اختیار مدیر برای جلب رضایت کارکنان به آنها پرداخت می‌شود و فرهنگیان از چنین مزایایی محرومند. البته مدیرکل وعده داده که براساس این لایحه تمام فوق‌العاده‌ها و امتیازات ویژه کنار گذاشته می‌شوند. فرض کنیم مزایای سایر کارمندان را قطع کنند، چه سودی به حال معلمان دارد؟ معلمان بارها گفته‌اند که منظور آنها از اجرای نظام هماهنگ پرداخت، پایین آوردن حقوق دیگران به سطح معلمان نیست. برابری در فقر فایده‌ای برای معلمان ندارد. معلمان می‌خواهند، تحت ضوابطی، حقوق و مزایای شغلی آنها هم به پای سایر کارکنان دولت برسد. بحث بر سر کلمات نیست بحث بر سر میزان خالص دریافتی و جمع ردیف‌های حکم حقوقی است.